

از رهگذر گزاره‌هایی که پیکره سخن آغازین این نوشتار را شکل می‌دادند، اشارتی بر این واقعیت و روایت تاریخی کردیم که انسان و جامعه ایرانی، در دوران معاصر خود، همواره در هنگامه‌هایی که با نوعی بی‌قراری رادیکال و بحران ارگانیک در سطوح و لایه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و معرفتی خود مواجه شده، پاسخ این پرسش را در نوعی "این همان کردن خود با انسان غربی"، طمع در میوه‌های نارس باغ دیگران بستن، "بازگشت به من ایرانی خویش"، بازگشت به من اسلامی خویش، "پوشیدن جامه معرفتی سوسیالیستی - مارکسیستی" و یا "پیشرفت و توسعه تمدنی و رفع عقب‌ماندگی"، "نفی استبداد و خودکامگی"، "نفی استبداد بیگانه و استقلال خواهی"، "عدالت‌خواهی و نفی نابرابری‌های اجتماعی"، "دموکراسی و آزادی و قانون‌خواهی"، "هویت و تشخیص طلبی دینی - ملی" جستجو کرده، و برای تحقق آنان، به دامن ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های گوناگون پناه برده و پاسخ پرسش اندیشه سوز / ساز چیست باران طریقت بعد از این تدبیر ما؟ را از آنان طلب کرده است.

امروز، پس از گذشت بیش از یک سده از طرح این پرسش نزد ایرانیان، این انسان و جامعه همچنان در متن و بطن یک جنبش "چه باید کرد" دیگر به سر می‌برد. به نظر می‌رسد این انسان و جامعه با نوعی "قفل شدگی به تاریخ" مواجه است و هنوز نتوانسته از رهگذر یافت "کلید پاسخ" از جنبه این پرسش رهایی یابد؛ اما در شرایط کنونی، ترجمان عینی و واقعی و راهبردی این پرسش در گرو طرح به پرسش‌واره‌ها و پاسخ‌هایی است که از یک سو، به قرائت و روایت نقادانه و شالوده شکنانه ما نسبت به گذشته خود معطوف هستند (نگاه به گذشته به مثابه چراغ راه آینده) و از جانب دیگر، از مقتضیات زشت و زیبای (و یا تهدیدزا و فرصت آفرین) زمانه‌یی متأثرند که نسل ما در آن زندگی می‌کند (تحلیل مشخص از شرایط مشخص) و از جنبه دیگر، ناظر بر نیازها، تقاضاها و مقتضیات نهفته در کالبد زمانه‌ای هستند که در انتظار نسل سوم ماست (تخمین مشخص از شرایط نامشخص).



## جنبش اصلاحات، به سوی یک تئوری

محمد رضا تاجیک\*  
بخش دوم

بی‌تردید، صرفاً در پرتو شناخت و آگاهی حاصل از این تأمل و تعمق است که می‌توان در جهت تحقق آینده‌ای بهتر، تفکر و تدبیر کرد. اما ترجمان این "تدبیر" در سطح یک جنبش اجتماعی خاص (جنبش اصلاح طلبی) در شرایط خاص (شرایط کنونی) چیست؟ طبیعی و بدیهی است که نسلی که پس از بنیانگذاران یک جنبش به صحنه پا می‌گذارند، با مسائل و مشکلات عملی تازه‌ای روبرو شوند که حل صریح آن‌ها به وسیله اصول مقدس موجود در آن دست‌یافتنی نیست. لاجرم باید این اصول مقدس را به گونه‌ای که توجه کننده اعمال‌شان باشد، تفسیر و تعبیر کنند و طریقت دیگری را پیشه خود سازند. چنانچه این پرسش را در ظرف زمان و مکان خاص خود قرار دهیم و تلاش کنیم ترجمانی عینی‌تر و جزئی‌تر از آن به دست دهیم، با انبوهی از پرسش‌ها، همچون پرسش‌های زیر مواجه خواهیم شد:

- آیا باید در شرایط کنونی، به نقش آفرینی در قالب هویت مقاومت (اپوزیسیون‌نیستی) اندیشید یا هویت قدرت (پوزیسیون‌نیستی)؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به ساماندهی تشکیلات پیرامون یک نخبه، یک حزب و یک جبهه اندیشید یا پیرامون یک برنامه؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به تجمیع و ساماندهی نیروهای مختلف اجتماعی - سیاسی پیرامون یک نقطه گرهی یا کانونی منفی (سلبی) اندیشید یا یک نقطه گرهی مثبت (ایجابی)؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به هژمونی اندیشید یا به ضد هژمونی؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به گفتمان اندیشید یا پادگفتمان؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به بی‌قراری رادیکال گفتمان مسلط و رسمی اندیشید یا به واسازی آن؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به میکروبولتیک اندیشید یا به ماکروبولتیک؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به میکروفیزیک قدرت اندیشید یا به ماکروفیزیک قدرت؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به جنبش اندیشید یا به سازمان؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به رقابت اندیشید یا به ضدیت؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به جنگ مواضع اندیشید یا جنگ منافع؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به یک زنجیره هم‌ارزی اندیشید یا به یک زنجیره تفاوت‌ها؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به ساماندهی یک نهضت بدون تشکل، بدون پروژه و بدون برنامه اندیشید که به مثابه یک تضاد نیکو جلوه کند، یا به ساماندهی یک بلوک تاریخی متشکل؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به خلق لحظه‌ای اندیشید که در آن نظم بی‌نظمی برپا شود یا به خلق لحظه‌ای که در آن نظمی ایدئولوژیک برقرار شود؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به تجربه باهم بودگی هویت‌های متکثر و متمایز در یک لحظه تاریخی اندیشید یا به باهم بودگی هویت‌های متشابه؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به فراهم آوردن شرایطی اندیشید که در آن "گفتن" از "گفته" مهم‌تر جلوه کند یا

بالعکس؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به تبدیل روابط افقی و هم‌عرضی به روابط عمودی و سلسله‌مراتبی اندیشید یا بالعکس؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به ترک هویت‌های غلیظ "شناسنامه‌دار" و انحلال خود در یک هویت رقیق‌تر اندیشید یا بالعکس؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به تلفیق و ترکیب گفتمان‌های شناور در فضای سیاسی جامعه اندیشید یا به منزلت و شأنی فراگیر و استعلایی بخشیدن به یک خرده‌گفتمان؟

- آیا در شرایط کنونی، باید با بهره‌وری از تکنیک‌های سیاسی نوین، به نحو متکثر عمل نمود و دامنه عملکرد خود را تا بیخ و بن ذهن و روان افراد جامعه گسترش داد، یا کماکان به تکنیک‌های سنتی سیاسی دل خوش داشت؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به سیاست به مثابه یک حساسیت فرهنگی اندیشید یا به مثابه یک فعالیت نهادمند؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به "قدرت خود" در ظرف کاربردها و تأثیراتش در عرصه یک بازی و تسابق خاص اندیشید، یا در ظرف توانایی آن در تسخیر دژ باستیل؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به تبدیل شدن به سخنگویی همگان اندیشید یا به تبدیل شدن به مهیاگران شرایطی که در آن همه بتوانند برای خود و به جای خود و با بیان خود سخن بگویند؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به ایفای نقش در قالب شفاف‌کننده تقاضاهای مهم و غیرشفاف جامعه اندیشید، یا به ایفای نقش در قالب یک متقاضی؟-- آیا در شرایط کنونی، باید به تغییر ذائقه سیاسی مردم اندیشید یا به تقویت ذائقه سیاسی آنان پرداخت؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به تقویت حافظه تاریخی مردم یاری رساند یا به تخریب آن؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به بازتولید اندیشه و شرایط دوم خرداد اندیشید یا به عبور از آن؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به هویت جمعی و فردی دینی اندیشید یا به هویت سکولار؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به شعار "هدف هیچ و جنبش همه چیز است" اندیشید یا بالعکس؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به وارد کردن عنصری بلانکیستی (باور به انقلاب فراگیر و نقش

سازنده خشونت سیاسی در نبل به اهداف) اندیشید یا به فراموشی مطلق انقلاب و خشونت؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به دموکراسی صرفاً به مثابه سلاخی در مبارزه سیاسی اندیشید، یا به مثابه هدف و شکلی که در آن گفتمان ما واقعیت پیدا می‌کند؟

- آیا در شرایط کنونی، باید به هنر بودن در زمان و مکان مناسب اندیشید یا به بودن در هر مکان و زمانی؟ برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها، نخست می‌کوشیم تحلیلی از شرایط حال و تخمینی از شرایط آینده جامعه خود به دست دهیم. در گام دوم، بر مبنای این تحلیل و تخمین، عمارتی از جنس یک گفتمان فراگیر و هژمونیک اصلاحی بنا می‌کنیم. در گام سوم، به بحث درباره استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و سازوکارهای اجتماعی کردن و یا نشست و رسوب این گفتمان می‌پردازیم. در گام چهارم، به بحث درباره شناسه‌ها و خصوصیات حاملان و عاملان (فردی و جمعی، تشکیلاتی و غیرتشکیلاتی) و نیز واسطه‌های تشریحی و ترویجی این گفتمان می‌پردازیم (تعریف یک "ما" در فضای نظری و ارزشی این گفتمان). و سرانجام، به مشخص کردن مبرم‌ترین وظایف این "ما" و توزیع وظایف می‌پردازیم. امید است که بتوانیم در پرتو این تلاش به "تولیدی نو"، بازار یا مخاطبی نو، ترکیباتی نو، سازماندهی نو" و "مدیریتی نو" در عرصه جنبش اصلاحات در جامعه امروز و فردای خود دست یابیم.<sup>۱</sup>

چنانچه از لاکلاو بپذیریم که نظریه، نوعی بازنمایی و تبیین شرایط بی‌قرار اجتماعی است و می‌کوشد در برابر بحران موجود پاسخی مناسب ارائه کند و بنابراین، نظریه در تعامل با واقعیت و برای سامان دادن به نابسامانی‌ها ظهور می‌کند و در تعامل با واقعیت رو به افول یا تکامل می‌رود، آن‌گاه باید تصویری از شرایط بی‌قرار و نابسامان جامعه خود (در ساحت‌ها و عرصه‌های گوناگون) به دست دهیم تا برای مفصل‌بندی نظریه جدید خود بستری فراهم آوریم. و باز چنانچه از او بپذیریم که نظریه‌ها به بازسازی آرماتی فضای اجتماعی می‌پردازند و از طریق مفصل‌بندی مجدد نیروها و دال‌های متزلزل، در پی ایجاد یک عینیت اجتماعی جدید هستند، آن‌گاه باید بپذیریم که دست یافتن به یک "عینیت اجتماعی جدید" متناسب با اهداف و آمال اصلاحی، جز از رهگذر مسلح و مزین شدن به یک "نظریه" امکانپذیر نیست.

به عبارت دیگر، ساماندهی واقعیت و جهان اجتماعی و فائق آمدن بر بی‌قراری‌ها و بحران‌ها از طریق نظریه‌پردازی و بازسازی‌های تئوریک گفتمانی صورت می‌گیرد و به همین دلیل همواره به نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی نیازمندیم. در واقع، این تولید نظریه و گفتمان است که جامعه را متحول می‌کند و به نابسامانی‌ها و بی‌قراری‌ها پایان می‌دهد. جامعه‌ای که توان و استعداد نظریه‌پردازی نداشته باشد، در مقابل بی‌قراری‌ها و بحران‌ها

سرتسلیم فرود می‌آورد و جز سرکوب و فروپاشی چاره دیگری نمی‌بیند. از این رو، برای قرار نگرفتن در معرض و مسیر این فروپاشی، ناچار باید طرح نظری نوینی در اندازیم و برای دستیابی به این مهم نیز، نیازمند ارائه تصویری از شرایط عینی خود هستیم. بر این اساس، در سطور بعدی تلاش می‌کنیم در سه سطح ملی، فرومی و فراملی، تحلیل و تصویری از جامعه کنونی خود ارائه دهیم و سپس در پرتو آن، نظریه و گفتمان جدیدی برای شرایط کنونی جنبش اصلاحات پیشنهاد کنیم.

### سطح تحلیل ملی

بی‌تردید، امروز بیش از هر روز دیگر، نظارت و کنترل توسط چشم قدرت برتر، بر جامعه ایرانی اعمال می‌شود. انسان ایرانی، به شکلی فزاینده در مسیر تأثیرات ژرف و گسترده جهان اطلاعاتی‌ای قرار گرفته که در مهندسی آن سهم و نقش چندانی نداشته است. او همواره در حال مصرف کالاهایی است که در "بازار جهانی نشانه‌ها" عرضه می‌شوند. زندگی او، در چنین شرایطی، در چرخش بی‌وقفه نشانه‌هایی هدایت می‌شود که بر آنچه در دنیا اتفاق می‌افتد (نشانه‌های خبری)، آن نوع هویتی که او آرزو دارد، بروز دهد (نشانه‌های درباره خود)، موقعیت او (نشانه‌های منزلت و اعتبار)، اغراضی که ساختمان‌های مورد پسند او در خدمت آنند (نشانه‌های معمارانه) و سلیق زینباشناسی او (نشانه‌هایی بر روی دیوارها، میزها، و بوفه‌ها)<sup>۲</sup> دلالت دارند.

امروزه، شبکه‌های متعدد تلویزیونی و سایت‌های متنوع اینترنتی، تجربه‌هایی از فرهنگ مسلط را به خانه‌های انسان ایرانی آورده و انسان و جامعه ایرانی را از درون به چالش کشیده‌اند؛ آرامش او را برهم زده‌اند؛ چشم‌اندازها و منظره‌هایش را به شدت تحت تأثیر فرآورده‌های خود قرار داده‌اند؛ نظام دانایی و نظام صدقی مسلط او را خدشه‌دار کرده‌اند؛ نظام سیاسی و مدیریتی حاکم بر او را با بحران ناکارآمدی مواجه ساخته‌اند؛ و فاصله میان او را به عنوان کسی که در انقلاب اطلاعاتی و اقتصاد جهانی سهم چندانی ندارد، با کسانی که در این امور سهمی دارند، بیش‌تر و پرشتاب‌تر از گذشته، افزایش داده‌اند. نتایج یک پیمایش میدانی نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد پاسخ‌گویان به طور مطلق و نسبی بر این باورند که بیشتر مردم علاقه دارند از برنامه‌های ماهواره‌ای استفاده کنند. در مقابل، فقط ۰/۲ درصد معتقدند هیچ‌کس به برنامه‌های ماهواره‌ای علاقه‌ای ندارد. حدود ۸۳ درصد معتقدند استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای در آینده افزایش می‌یابد. در مقابل، فقط ۸ درصد خلاف این نظر را دارند. در همین فضا، حدود ۸۱/۹ درصد پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند گرایش مردم به برنامه‌های ماهواره‌ای نسبت به گذشته بیشتر شده است و در مقابل، فقط ۷ درصد، عکس آن را

اظهار نموده‌اند. حدود ۵۲ درصد نیز معتقدند مسئولین و خانواده‌هایشان از برنامه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند.

نتایج همین پیمایش نشان می‌دهد برغم این که، ۱) حدود ۳۷ درصد پاسخ‌گویان ضررهای ماهواره را بیش از فایده‌های آن برای جامعه ارزیابی می‌کنند، ۲) بیش از ۵۴ درصد استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای را موجب افزایش گرایش به فرهنگ بیگانه می‌دانند، ۳) بیش از ۶۱ درصد آثار این برنامه‌ها بر نوجوانان و جوانان را منفی و مخرب می‌دانند، ۴) بیش از ۷۸ درصد استفاده از این برنامه‌ها را موجب افزایش فساد و انحراف در جامعه می‌دانند، ۵) بیش از ۶۸ درصد آن را زمینه‌ساز کاهش پایبندی‌های دینی مردم می‌دانند، اما در عین حال، بیش از ۵۰ درصد آنان داشتن ماهواره را بدون نظارت دولت (۴۵ درصد) و یا با نظارت دولت (۱۶/۵) حق مردم می‌دانند.<sup>۳</sup>

نتایج پیمایش دیگری که در زمینه پنداشته‌ها، کاربران و کارکردهای اینترنت در جامعه امروز ایرانی به عمل آمده، نشان می‌دهد بیش از ۹۸ درصد پاسخ‌گویان علاقمند به استفاده از اینترنت هستند. این ابراز علاقه وسیع در شرایطی صورت می‌گیرد که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌گویان به رجوع کاربران به سایت‌های غیراخلاقی (البته توسط دیگران و نه خودشان) اذعان داشته و بیش از ۶۴ درصد آنان، به ضبط برنامه‌های غیراخلاقی از اینترنت و پخش آن در جامعه (باز هم توسط دیگران) معترفند. همچنین، بیش از ۵۰ درصد آنان بر تأثیر اینترنت در گرایش به فرهنگ بیگانه تأکید می‌کنند.<sup>۴</sup>

در پیمایش دیگری که در زمینه تغییرات فرهنگی از نگاه شهروندان تهرانی به عمل آمده، از نظر پاسخ‌گویان بیشترین میزان تغییرات در حوزه‌هایی نظیر استفاده از کامپیوتر و اینترنت، تغییر در روابط دختر و پسر، نحوه آرایش زنان، پیروی از الگوها و مدهای غربی، و استفاده از ماهواره رخ داده‌اند.<sup>۵</sup>

در جامعه امروز ایرانی، چت‌روم‌ها یا میدان‌های چندکاربردی به عنوان یکی از پرطرفدارترین "میدان" های اینترنتی شرایط جدیدی را برای کاربران خود فراهم کرد و مرزهای تازه‌ای را در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان پدید آورده‌اند. دو فرآیند "رسانه‌ای شدن"<sup>۶</sup> و "خانگی شدن"<sup>۸</sup> به طور فزاینده‌ای

به توصیف جدی گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان ایرانی تبدیل شده‌اند.<sup>۹</sup> گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن آن، پیامدهای گسترده‌ای در روابط جنسیتی و الگوهای ارتباطی و دوست‌یابی جوانان ایرانی داشته‌اند. تداخل طبقه‌بندی جنسیت و جغرافیا، فضای رهایی بخشی را برای دسته‌ای از جوانان پدید آورده و مرزبندی‌های رایج جنسیتی و اجتماعی را در فرهنگ آنان کمرنگ ساخته است. ارتباطات اینترنتی در محیط‌های چت، ضمن آن که تقویت‌کننده روابط غیروابسته به زمان و مکان است، به محملی برای جستجو و ارضای کنجکاوی‌های جوانان نیز تبدیل شده است. افزون بر این، فضای مجازی و دیجیتال اینترنت، صورت‌های جدید مشارکت‌های اظهاری و عاطفی را جایگزین صورت‌های متداول مشارکت سیاسی و اجتماعی در عرصه‌های "حقیقی" جامعه ساخته است. سرگرمی‌های مجازی اینترنتی، عموماً به تقلیل سرمایه اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماعات و گروه‌های آشنا به اجتماعات شبکه‌ای، سوگیری جوانان به سوی آموزش موزاییکی، و نیز قطعه قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و در نتیجه توده‌وارسازی<sup>۱۰</sup> انجامیده است.<sup>۱۱</sup> علاوه بر این، تکنولوژی‌های ارتباطاتی (اطلاعاتی) (CITS)،<sup>۱۲</sup> با کاهش دادن هزینه‌های ارتباطات و هماهنگی، بسترساز برتری شبکه‌های غیرمتمرکز بر دیگر اشکال سازمانی در ایران امروز شده‌اند. در این شبکه‌ها، افراد و گروه‌ها برای اقدام مشترک، بدون حضور فیزیکی یا ساخت نهادی - مثل احزاب که باید به رسمیت شناخته شوند. به هم مرتبط می‌شوند. این تکنولوژی‌های جدید، می‌تواند جامعه را در عرض مرزهای جدید تقسیم بندی کنند. شبکه‌های الکترونیکی رأس و مرکز ندارند، بلکه دارای گلوگاه‌های متعددی هستند که در آن‌ها مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها برای اهداف مشترک با هم تعامل می‌کنند. اپوزیسیون ایرانی، امروز قادر است اجتماعات و انجمن‌های مجازی تشکیل دهد. این انجمن‌ها تجلی فیزیکی ندارند و در داخل شبکه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرند. ایجاد این انجمن‌ها، آسان و سریع است و می‌توان از آن‌ها برای هر هدفی استفاده کرد. در آینده نزدیک، دولت‌های مستقر در این مرز و بوم، برای شناسایی این انجمن‌ها - که اغلب فعالیت‌های ضد دولتی دارند - با چالش بزرگی روبرو خواهند

سایت	گرایش	ترتیب انتشار	تعداد مراجعه در روز از تمام کشورها	تعداد مراجعه در ایران	تعداد مراجعه در روز از ایران	تعداد مراجعه در سال از ایران
پیک نت	چپ رادیکال	روزانه	۱۴۴۲۶	۹۳۷۶۹۰	۴۱۸۳	۲۷۱۸۹۵
شهروند	چپ رادیکال	هفتگی	۱۹۶۷	۷۱۷۹۵۵	۶۸۸	۲۴۰۸۰
گویا	جمهوری خواه	روزانه	۷۱۵۳۴	۲۵۰۳۶۹۰	۲۶۴۶۷	۱۷۲۰۳۵۵
میهن	چپ نواندیش	روزانه	۲۲۹۴	۸۳۷۳۱۰	۹۴۰	۳۴۳۱۰۰
نیمروز	راست سلطنت طلب	هفتگی	۱۱۰۳	۴۰۲۹۹۵	۲۶۵	۹۶۷۲۵
تجمیع آمار سایتها			۹۱۳۲۴	۵۳۹۹۶۴۰	۳۲۵۴۳	۲۴۵۶۱۵۵۵

شد. همچنین، افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و... به واسطه (CITS) قادر به ایجاد شبکه و اتصال با شبکه‌های جهانی خواهند بود. این شبکه‌ها، به ایشان امکان می‌دهد منافع، اهداف و نظرات و ایده‌های خود را به طور مستقل تعقیب و بیان کنند و از این طریق، نظم و نظام موجود را که به طور سنتی تنها نماینده و سخنگوی مردم در مذاکرات، تعامل‌ها و روابط بین‌المللی بوده است، در حاشیه قرار دهند. ارائه تصویری کلی از گرایش به سایت‌های اپوزیسیون مشرب، در تحلیل و تبیین این فضا خالی از فایده نیست.

بی‌تردید، چنین فضا، تمایلات و گرایش‌هایی، جامعه امروز ایرانی را در مسیر یک تغییر و تحول و انتقال جدی واقعیت‌های اجتماعی قرار داده است. در شرایط کنونی، علاوه بر انتقال در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی، در بستر "متن اجتماعی" نیز تغییراتی جدی در حال وقوع است. بنابراین، یک انتقال "متنی" -زمینه‌ای" گسترده در جریان است. در فرآیند این انتقال، شیرازه‌های اجتماعی، فرهنگی، معرفتی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایرانی در حال ترک برداشتن است. این تخریب، امروز در سیمای شکاف‌ها و شیارهای متنوع و متعددی آشکار شده است.

در زیرین‌ترین سطح اجتماعی، شاهد رخنه این شکاف‌ها به درون فضاهای بسته و نفوذ ناپذیری هستیم که فرهنگ رسمی جامعه ایرانی فارغ از دخالت و مزاحمت‌های بیگانه، عناصر هویت‌بخش منسجم و تقریباً ثابتی را در آن‌ها ارائه می‌کرد. در این شرایط، فرهنگ رسمی دیگر نمی‌تواند با بهره‌گیری از مصونیت مبتنی بر انحصار حریم، جایگاه مطلق داشته باشد.

چهره زبرین این ترک را می‌توان در سیمای شکاف نسلی در ایران امروز جستجو کرد. بر اساس نتایج به دست آمده از پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان:

۱. گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ و ۳۰ تا ۴۹ سال کمتر از همه رضایت اجتماعی و سیاسی دارند.

۲. گروه سنی نوجوان بیش از همه به فضایل اخلاقی جامعه بدبین است.
۳. گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال کمتر از همه به فضای اخلاقی جامعه در آینده خوش بین است.

۴. گروه‌های سنی جوان، بیش از دیگر گروه‌های سنی بر این باورند که دین داری به قلب پاک است.

۵. گروه‌های سنی جوان، نسل گذشته را بیشتر مذهبی می‌دانند.
۶. در گروه‌های سنی جوان، میزان میل به تقلید از مراجع کاهش یافته است.
۷. گرایش به راندن دین به حریم خصوصی در میان نسل جوان بیشتر است. به عنوان نمونه، این گروه‌های سنی بیش از دیگران با این ایده که نباید با افراد غیرمذهبی رفت‌وآمد کرد، مخالف هستند.
۸. موافقت با ایده جدایی دین و سیاست در میان گروه‌های سنی جوان، بیشتر است.

۹. گروه‌های سنی پایین‌تر، کمتر احساس آزادی می‌کنند.
۱۰. طبقات نوجوان و جوان، نسبت به هویت ایرانی خود کمتر احساس افتخار دارند.<sup>۱۳</sup>

۱۱. دختران جوان بیش از زنان میان‌سال و سالمند بر این باورند که ناعدالتی جنسیتی در جامعه وجود دارد.

۱۲. دختران جوان ۱۵ تا ۲۱ سال، کمتر از همه احساس امنیت جانی می‌کنند<sup>۱۴</sup> همچنین نتایج پژوهشی که با عنوان "ابهام از آینده و الگوی شخصیتی نسل جوان" به عمل آمده، نشان می‌دهد حدود ۵۳/۵ درصد از جوانان و نوجوانان در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۲۹ درصد تا حدی نسبت به آینده دچار ابهام هستند. حدود ۵۰/۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۲۹ درصد تا حدی نسبت به رعایت شدن حقوق افراد دچار ابهام هستند. حدود ۶۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۲۲/۵ درصد تا حدی نسبت به عملکرد نظام سیاسی دچار ابهام هستند. حدود ۶۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۳۱/۳ درصد تا حدی

به اعتراض به وضع موجود اعتقاد دارند. حدود ۴۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۳۵ درصد تا حدی برای اعتراض آمادگی دارند. حدود ۵۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۱۸ درصد تا حدی دچار "تمایل به درگیری و پرخاش" هستند. حدود ۱۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۱۸ درصد تا حدی به ایجاد مزاحمت و رعایت نکردن هنجارها گرایش دارند. حدود ۳۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۲۰ درصد تا حدی تمایل به مهاجرت از کشور دارند. حدود ۲۰/۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۲۷ درصد تا حدی به پوچ‌گرایی گرایش دارند. حدود ۵۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۲۳ درصد تا حدی دچار بی‌اعتمادی هستند. حدود ۵۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۳۵ درصد تا حدی دچار فقدان روحیه مشارکت‌جویی هستند. حدود ۲۱ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۳۵ درصد تا حدی دارای تمایلات غیراخلاقی هستند. حدود ۴۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و حدود ۴۰ درصد تا حدی دارای گرایش دیگرخواهی هستند.<sup>۱۵</sup>

همنشینی این دو چهره اجتماعی، به بستری مناسب برای رویش و پیدایش پدیده‌ای به نام "فرهنگ جوانان" منجر شده که می‌توان بروز آن را در سبک<sup>۱۶</sup>، کنش<sup>۱۷</sup>، ذائقه<sup>۱۸</sup> و سبک زندگی<sup>۱۹</sup> جوانان مشاهده کرد. اقتضای چنین فرهنگی، از یک سو، تعریفی متفاوت (نسبت به تعریف فرهنگ رسمی و مسلط) از بهنجاری<sup>۲۰</sup> و "زندگی خوب" و از جانب دیگر، جایگزینی "ارضای آنی"<sup>۲۱</sup> یا "لذت‌طلبی لحظه‌ای" به جای "ارضای معوق"<sup>۲۲</sup> است. شرکت در مهمانی‌های خصوصی غیرمجاز، ارتباطات و معاشرت‌های خارج از چارچوب ازدواج با جنس مخالف، الگوپذیری از ستاره‌های موسیقی و فیلم در عرصه فرهنگ عامه‌پسند جهانی، سبک و مصرف رسانه‌ای در عرصه موسیقی، ویدئو، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت، لباس‌های سبک خیابانی و مانند آن، بخشی از دنیای جوانان عضو خرده فرهنگ جوانان را تشکیل می‌دهند.<sup>۲۳</sup>

در فضای این خرده فرهنگ، همچنین شاهد شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی متمایزی پیرامون مشکلات، علائق، سلیقه‌ها و اعمال خاص در میان جوانان ایرانی هستیم. این خرده فرهنگ، به شکلی فزاینده در مسیر تمایز و جدایی از فرهنگ توده مردم و برخلاف توده‌های منفعل، خلاقانه و فعالانه عمل می‌کند. این کنش خلاق، عمدتاً خود را در چهره تلاش برای داشتن "اوقاتی خوش" و "لحظاتی وجدآور" بهتر نشان می‌دهد. چهره دیگر این کنش خلاقانه را می‌توان در لباس و آرایش سبک خیابانی این جوانان جستجو کرد. این لباس و آرایش سبک خیابانی - همچون آثار مقدس - متعکس کننده توانمندی پیوندهای ایشان است. در بسیاری مواقع پیام این نوع لباس و آرایش آن است که "من معترض هستم؛ دقیقاً مثل کاپشن پرفکتو که توسط شرکت "برادران اسکات" در نیویورک بر اساس طرحی از جنگ جهانی دوم دوخته شد و پس از این که مارلون براندو آن را در فیلم "وحشی" پوشید، به سمبل جوانان شورشی تبدیل شد. لباس مزبور با درخشش اهریمنی و زیبای‌های شیشه به زخم چاقو، تجسم نگرش و سبک زندگی‌ای بود که مستقیماً "جامعه عادی" را به چالش می‌کشید

می‌توان از میان دیگر عوامل ظهور و گسترش خرده فرهنگ جوانان در ایران امروز، به عامل "هراس اخلاقی" (آن گونه که استنلی کوهن در کتاب اشرار محلی و هراس‌های اخلاقی تعریف می‌کند) اشاره کرد. به نظر کوهن، ممکن است در دوره‌هایی خاص به علت ظهور یک وضعیت یا فرد یا گروهی از افراد که جامعه آن را تهدیدی برای ارزش‌ها و منافع اجتماعی خود می‌داند و رسانه‌های گروهی نیز ماهیت آن را به گونه‌ای خاص و کلیشه‌ای ارائه می‌کنند، جامعه دچار هراس اخلاقی شود. پس از بروز هراس در جامعه، یک فرهنگ کنترل اجتماعی برای مهار این بحران به وجود می‌آید، ولی به شکلی تناقض‌آمیز باعث گسترش پدیده مزبور می‌شود. مدل تحلیلی او، دارای چهار مرحله است: مرحله‌های "هشدار"، "تأثیر"، "قهرست خسارات" و "واکنش". هنگامی که پدیده‌ای جدید و به ظاهر منفی در جامعه بروز می‌کند، رهبران سیاسی، مذهبی و یا فکری جامعه نسبت

به ظهور یک "فاجعه" هشدار می دهند (مرحله هشدار). پس از این که "فاجعه" مورد نظر رخ داد و آثاری را در جامعه بر جای گذاشت (مرحله تأثیر)، رسانه های گروهی به سرعت و با شدت به ارائه تصویری از آنچه اتفاق افتاده است، می پردازند، اما معمولاً گزارش هایشان همراه با مبالغه، تحریف و نمادینه سازی است؛ یعنی واقعه بزرگ تر از آن چه بوده است، نشان داده می شود و در ضمن، پیرامون نمادهای خاصی از پدیده مورد نظر، تبلیغ بیشتری صورت می گیرد (مرحله فهرست خسارات - که البته خود دارای اجزای مختلفی است). سپس، نهادهای کنترل اجتماعی - چه رسمی و چه غیررسمی و از طرف مردم و گروه ها - نسبت به مسأله حساس می شوند و در پی رفع قضیه برمی آیند (مرحله واکنش). در اثر این حساس شدن، حتی حوادث و مسائل غیرمرتبط هم که قبلاً به گونه دیگری تحلیل می شدند، جلوه ای از پدیده مورد نظر تلقی می شوند و در مقابل شان موضع گیری می شود.<sup>۲۵</sup> قصد نداریم از رهگذر مطالب فوق، ساخت و صورت یکپارچه و واحدی برای این خرده فرهنگ ترسیم و

تصویر کنیم. بی تردید، در صورت بندی خرده فرهنگ جوانان ایرانی، جای پای بسیاری از گرایش ها و تمایلات عرفانی و تصوف گرایانه (نظیر هندوئیسم، یوگا، کریشنا، بودیسم، مکتب تانتره، مکتب شری سائتا سای بابا، آراء و اندیشه آشو، مکتب اکتکار، عرفان مسیحی، شاهدان بیهوه، عرفان سرخ پوستی، عرفان یا فرقه باطنی) نیز مشاهده می شود. در لایه و سطحی دیگر، شاهد بروز و ظهور نوعی شکاف میان آرزوهای فردی و جمعی یا وضعیت عینی جامعه و نیز شکاف میان شرایط ذهنی جامعه با شرایط عینی حاکم بر آن هستیم. به بیان دیگر، آنچه در جامعه امروز ما، آسیب تهدیدزا می نماید، عدم انطباق میان سپهر ذهنی و عینی است. در شرایط کنونی به دلایل گوناگون، شرایط ذهنی جامعه ایرانی، بسیار منفی تر و وخیم تر از شرایط عینی آن است. بوزان، از منظری فراگیر عنوان می کند: "چه بسا واقعیات اجتماعی در تعیین نتایج، مهم تر از واقعیت های عینی و حقیقی باشند. تصویری که از قدرت یک دولت و توانایی آن برای تعیین نتایج وجود دارد، ممکن است از توانایی های واقعی دولت یاد شده فراتر یا فروتر

باشد."<sup>۲۶</sup>

آنتونی گیدنز، در همین فضا تصریح می کند: "همه اشکال زندگی اجتماعی تا حدودی ساخته و پرداخته شناختی است که بازیگران از آن ها دارند."<sup>۲۷</sup> رابرت چرچیس نیز می گوید: "درک مردم از داده ها و اطلاعات نه تنها تحت تأثیر تئوری ها و ساختار ادراک آن ها درباره سایر کنشگران قرار می گیرد، بلکه از آن چیزی که ذهن آن ها را در موقع دریافت اطلاعات به خود معطوف سازد نیز تأثیر می پذیرند. تصور من از خیابان تاریکی که بعد از دیدن یک فیلم جاسوسی طی می کنم، تفاوت خواهد داشت با خیابان تاریکی که بعد از تماشای یک فیلم کمدی طی می کنم."<sup>۲۸</sup> نارضایتی نسبت به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، عامل اصلی این پدیده است. یافته های پیمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۲ نشان می دهد بسیاری از مردم، مشکلات اجتماعی را در عرصه های مختلف بیشتر از "واقعیت یا مابه ازای بیرونی" آن ها برآورد و تحلیل می کنند. برای نمونه به جدول زیر توجه کنید.<sup>۲۹</sup>

نگرش	کم	متوسط	زیاد	نمی دانم	تعداد پاسخ معتبر
اختلاف و چنددستگی در جامعه	۱۶/۶	۲۷/۸	۵۵/۷	۲۶/۵	۴۳۱۶
پارتی بازی	۲/۹	۹/۱	۸۸/۱	۴۳	۴۵۳۸
اعتیاد	۱/۷	۶/۳	۹۲	۳۴	۴۵۴۷
ظلم و ستم	۱۷/۹	۲۹/۸	۵۲/۲	۱۱۳	۴۴۶۸
طلاق	۳	۱۲/۱	۸۵	۸۴	۴۴۹۷
بیکاری	۰/۷	۳/۲	۹۶	۲۱	۴۵۶۰
بی بند و باری	۹/۹	۲۴	۶۶/۱	۱۰۵	۴۴۷۶
ناامنی	۲۷/۵	۳۲/۵	۲۹/۱	۵۹	۴۵۲۲
بی توجهی مردم به دین	۲۷/۲	۳۶/۴	۲۶/۵	۱۰۶	۴۴۷۵
تبعیض	۱۳/۱	۲۴/۹	۶۲	۲۰۳	۴۲۷۸
گرانی	۰/۸	۲/۵	۹۵/۷	۱۷	۴۵۶۴
دزدی	۸/۹	۲۱/۷	۶۹/۴	۸۸	۴۴۹۳

نتایج بسیاری از پیمایش‌های میدانی نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مردم از وضعیت کنونی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ناراضی هستند و در این میان، کمتر از نیمی از افراد جامعه بر این باورند که حکومت برای رأی و نظر مردم اهمیت قائل است.<sup>۳۰</sup> در عرصه اقتصادی و عرصه سیاسی، میزان رضایت از اوضاع (بر اساس یافته‌های پیمایش فوق) به شرح زیر است:<sup>۳۱</sup>

میزان رضایت از اوضاع سیاسی

میزان رضایت | فراوانی نسبی

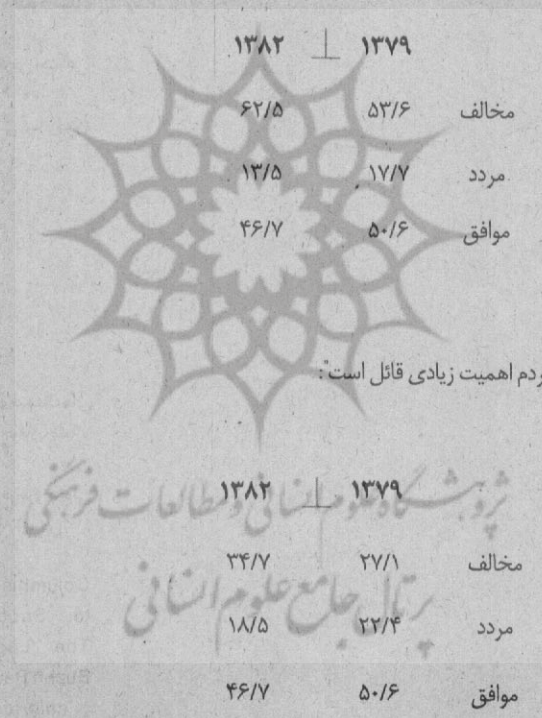
کم	۳۷/۴
تا حدودی	۴۷/۲
زیاد	۱۵/۴

میزان رضایت از اوضاع اقتصادی

میزان رضایت | فراوانی نسبی

کم	۷۰/۵
تا حدودی	۲۵
زیاد	۴/۶

نگرش پاسخ‌گویان در مورد گزینه "در اوضاع فعلی، حکومت به همه مردم به یک چشم نگاه می‌کند":



نگرش پاسخ‌گویان در مورد گزینه "حکومت برای رأی و نظر مردم اهمیت زیادی قائل است":

- \*عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
- پانوش:
- ۱- پاسخ به پرسش‌های فوق، ضرورتاً و لزوماً به دو گزینه‌ای که در چهره زیرین این پرسش‌ها نمایان هستند محدود نمی‌شود، بلکه در برگیرنده چهارگزینه مستتر در چهره زیرین آنان (گزینه هم این و هم آن و نیز گزینه نه این و نه آن) را دربر می‌گیرد.
  ۲. وبستر، فرانک: جامعه اطلاعاتی، ص ۳۰۸.
  ۳. مؤسسه تحقیقاتی خرد: پیمایش ماهواره از نگاه مردم: ۱۳۸۳.
  ۴. مؤسسه تحقیقاتی خرد: اینترنت؛ پنداشته‌ها، کاربران و کارکردها: ۱۳۸۳
  ۵. مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران: نظر سنجی شماره ۸۰۳/۱۵/۷، ۱۰۳.
  - ۶ Chat Rooms
  - ۷ Mediatization
  - ۸ Multi-User-Dungeons
  ۹. دکایی، محمد سعید: "جوانان و فراغت مجازی"، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۶ بهار ۱۳۸۳، صص ۲-۳.
  - ۱۰ Massification
  ۱۱. همان
  ۱۲. کشورهای جهان را از نظر توسعه اطلاعات می‌توان به پنج دسته طبقه‌بندی کرد:
    - ۱- ۱۲ پیمنازان: ۱۳ درصد کشورهای جهان از جمله آمریکا، سنگاپور و آلمان.
    - ۲- ۱۲ تندرندگان: ۱۱ درصد کشورهای جهان از قبیل: ایتالیا، مجارستان و کویت.
    - ۳- ۱۲ آیندگان: ۲۰ درصد مانند آفریقای جنوبی و ورسیه.

۱۲-۴ آغاز گران: ۱۹ درصد کشورهای جهان از جمله مصر، چین و فیلیپین.

۱۲-۵ پس ماندگان: ۲۷ درصد، از قبیل عراق، کنیا و ویتنام. بر اساس ارزیابی کارشناسان تکنولوژی اطلاعات، ایران با تسامح در دسته آخر، یعنی پس ماندگان، قرار دارد. این کارشناسان، علت اصلی این پس ماندگی را در شکاف میان تغییرات محیطی و تدبیرهای نخبگان می‌دانند. به اعتقاد آنان، تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد موفقیت‌های بزرگ و اساسی آن‌ها در تحقق جوامع دانش محور و توسعه اطلاعاتی، عمدتاً نتیجه تحول بهنگام نگرش‌ها و برداشت‌های نخبگان حاکم و اجماع نظر آن‌ها نسبت به تغییر و تحولاتی است که چه در سطح تحلیل داخلی و چه در سطح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آمده است. در کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور ایران، به علت‌های مختلف تاریخی، اقتصادی و اجتماعی، برخلاف کشورهای توسعه یافته، فرایند تغییر، تحول و نوسازی از بالای هرم قدرت توسط نخبگان حاکم به سمت پایین هرم قدرت در حرکت است. از این رو نگرش و برداشت نخبگان از مفاهیمی مانند حاکمیت، قدرت، امنیت، کنترل، توسعه، اقتدار ملی، منافع ملی، بهره‌وری، و مفاهیم دیگری از این دست نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت امور کشور در عرصه‌های متفاوت از خود برجای می‌گذارد، اما مشکل این جوامع دقیقاً در همین واقعیت تاریخی- اجتماعی نهفته است.

۱۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: گسست و تلاوم نسلی، ۱۳۸۲.

۱۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: جنسیت و نگرش اجتماعی، ۱۳۸۲.

۱۵. موسسه خرد: ابهام از آینده و الگوی شخصیتی نسل جوان، ۱۳۸۲.

۱۶. Style

۱۷. Action

۱۸. Taste

۱۹. Lifestyle

۲۰. Normality

۲۱. Immediate Gratification

۲۲. Deferred Gratification

۲۳. شهبانی، محمود: جهانی شدن جوانی: خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۲۴. پلهمیوس، تد: سبک‌های خیابانی، ترجمه فرامرز ککولی، دزفولی تهران، انتشارات سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، ص ۱۰.

۲۵. همان، صص و- ز

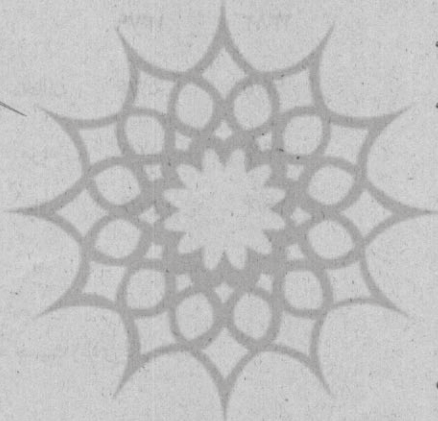
۲۶. (۱۹۹۱، p. ۸۶، Columbia University Press, ۳۹۹۱),  
to Structural Realism, New York,  
The Logic of Anarchy: Neorealism  
Buzan Barry, Jones, Chates Little, Richard:  
, ambridge Polity Press, ۰۹۹۱, p. ۸۳. ۲۷  
Anthony: The Consequences of Modernity  
Giddens,

۲۸. کالدول، در دانیل: رابطه تهدیدها با امنیت در دنیای جهانی شده، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۳۴، پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۳۴.

۲۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم، ویرایش اول، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹.

۳۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هویت قومی و باورهای اجتماعی، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

۳۱. طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، رضایت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، ۱۳۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی